هفته نامهٔ

# مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و چهارم ۳۰ عقرب- ۱۳۸۸ - ٤ذو الحجه۱٤۳۰ 21 Nov 2009

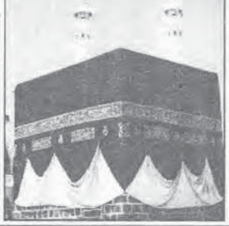
سرمقاله

## حکومت آقای کرزی بدون کسب مشروعیت ملی قادر به ادامهٔ حیات نخواهد بود

ص۲

## ترتیب عملی ادای مراسم حج

ص۷



# تحلیف مشروعیت و مقبولیت

ص۳



# حکومت افغانستان دومین حکومت فاسد جهان

سازمان شفافیت بین المللی در گزارش امسال خویش حکومت افغانستان را به عنوان دومین فاسد ترین حکومت دنیا معرفی نمود.

این گزارش که سه شنبه هفته گذشته انتشاریافت، نشان می دهد که در سه سال گذشته فساد به صورت منظم در دولت افغانستان روبه گسترش بوده و سراسر اجراآت این حکومت را فرا گرفته است. سازمان شفافیت بین المللی برخی از نمونه های فساد در حکومت افغانستان را، فروش پست های دولتی، رشوت در ادارات دولتی به منظور دریافت خدمات اساسی ذکرنموده، تجارت مخدرات را یکی از عوامل فساد خوانده است.

دراین گزارش درجات فساد از صفر الی ده تعیین شده است. صفر نشانه موجودیت کمترین میزان فساد و "۱۰" نمایانگر بیشترین فساد می باشد. افغانستان در سال گذشته قبل از صومالی و سه کشور افریقایی دیگر قرارداشت. اما امسال با گرفتن نمره ۱,۲ دومین حکومت فاسد و صومالی که درگیر جنگ داخلی و بدون حکومت موثر می باشد با گرفتن نمره ۱,۱ فاسد ترین کشور دنیا شناخته شده است. دراین گزارش کشور نیوزیلند با گرفتن ۹,۴ نمره به عنوان کشور دارای کمترین میزان فساد شناخته شد

ادامه درص۵



# آب از سرچشمه گل آلود است

ص۲

## پە جنوبي وزیرستان له یرغل وروسته:

## پاکستاني دولت یوځل بیا د طالبانو تر ګوابڼ لاندي

نو د یو نیم میلیارد ډالر لاسته راوړل د پاکستان دولت ته ښايي ډیر ګران تمام شي چې له مله يې دپاکستان حکومت له نوي ګوابڼ سره مخ کړيدي، همدارنګه پدغه دولت کې د اصف علي زرداري د ګوند د حکومت سره د نواز شريف مسلم لیگ اختلاف لوړیدل د پاکستان دولت لپاره یو بل چلنج دي چې ښايي لامله يې د پاکستان دولت پدې ونه توانیږي چې د امریکه له دولت سره د اوریکو او طالبانو پرخلاف جدي ګام او چتولو اودهغوې ځپلو کې بریالي شي

په ۶ مخ

## جنگ سالار!

**مشکل اصلی برای آقای کرزی نه تنها در مورد گزینش وزراست که برخی از آن ها شاید به نام جنگ سالار یاد شوند، بلکه مشکل اصلی و اساسی او، معاونین ریاست جمهوری است که نام شان همپیوند با نام او درانتخابات و مبارزات انتخاباتی و رأی دهی بوده و اوراق رای دهی متعلق به آقای کرزی در حقیقت اوراق سه نفر (کاندیدا و دو معاون) است.**

***

**امروز اگر بتوانند، نام معاونین را حذف کنند، درحقیقت به آرای (هرچند کمتر پنجاه جمع یک فیصد) آقای کرزی که همراه با معاونان آن را بدست آورده، ریشخند می زنند و آنرا فاقد اعتبار می سازند!** ص۶

# جامعهٔ جهانی در صدد خروج از افغانستان است

**احمد مهدی**

هشت سال است که جامعهٔ جهانی در کشور، حضور دارد. اعزام صد هزار عسکر و هزینهٔ ده ها میلیارد دالر نماینگر این حضور سنگین است.

اگرچه حکومت افغانستان ادعای پیشرفت در عرصه های مختلف را دارد و خارجیان هم گاهی چنین ادعای را مطرح می کنند. اما آنچه که بتوان آن را دست آورد چشمگیر حضور خارجی در افغانستان خواند، دیده نمی شود.

جنگ و شورش روز تا روز بیشتر شده و امنیت به حالت بحرانی رسیده است. طبق بررسی های منابع معتبر جهان، حکومتی که در هشت سال گذشته مورد حمایت خارجیان بوده است، دومین فاسدترین حکومت دنیا از آب درآمد، یکی از شاهکارهای این حکومت برنامه ریزی بزرگترین تقلب انتخاباتی در تاریخ دموکراسی بودکه آن را جهت امتناع از کنار رفتن سازمان دهی کرد،

در عرصهٔ اقتصادی برخلاف ادعاهای که مطرح می شود، فقر و بیکاری هنوز هم مشکل جدی برای شهروندان است. این وضعیت روبه وخامت بوده پایان روشنی برای آن به نظر نمی رسد.

فکر می شود خارجیان از دست یافتن به موفقیت تا اندازهٔ زیادی ناامید گردیده و در جستجوی راه فرار افتیده اند. از نظرآگاهان امور، تغییر استراتیژی ها در واشنگتن، لندن و پاریس به منظور فراهم شدن زمینهٔ خروج از افغانستان صورت می گیرد.

بنا به گزارش روزنامهٔ لاس انجلس، بارک اوباما رئیس جمهور امریکا از خطر درگیر شدن امریکا به تعهد " بی پایان" در ارتباط با مسئلهٔ افغانستان نگرانی خویش را در جریان جلسات بازبینی استراتیژی جدید آن کشور ابراز نموده است. براساس این روزنامه سخنگوی کاخ سفید گفته است که ما در آنجا هشت سال حضور داشتیم و این به معنای حضور دایمی ما در آنجا نیست. وی تأکید کرده است که در پهلوی بحث روی حضورمان در افغانستان مسئلهٔ خروج را نیز درنظر داشته باشیم.

مسئلهٔ خروج از افغانستان رهبران امریکا را در اعزام سربازان بیشتر دچار تردید نموده است. در حالی که فرماندهان نظامی امریکایی اعزام سربازان بیشتر به صحنه های جنگ افغانستان را برای نجات از شکست ضروری می دانند، برخی سیاستمداران آن کشور، از اعزام سربازان بیشتر هراس دارند. چندی پیش ایکنبیری سفیر آن کشور در کابل، افزایش نیروهای نظامی در افغانستان را اشتباه خوانده، مخالفت خویش را با آن اعلان نمود.

ادامه درص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

## سرمقاله

# حکومت آقای کرزی بدون کسب مشروعیت ملی قادر به ادامهٔ حیات نخواهد بود

مراسم تحلیف دور دوم ریاست جمهوری آقای کرزی به روز پنجشنبه ۲۸ عقرب، با شرکت شماری از رهبران و مقامات خارجی و داخلی برگزار گردید و پس از ماه ها، آقای کرزی بار دیگر نفس راحت کشید؛ سرانجام او توانسته بود تند باد های را که کرسی اقتدارش را تهدید می کرد پشت سر گذارد و تاج و تخت خویش را حفظ کند، گرچه این کار از نگاه شکل با روش های امروزین مثل انتخابات صورت گرفت، اما در حقیقت، با روش های قرون وسطایی برای حفظ تاج و تخت که، با هر قیمت وبا هر ابزاری صورت می گرفت، تفاوت چندانی نداشت.

آقای کرزی رئیس جمهور منتخب خوانده می شود، اما منتخب در انتخاباتی که آلوده به تقلب گسترده بود و به قول خود وی، انتخابات بدنام بود و نمی توانست برای هیچ حکومتی مشروعیت ایجاد کند.

تحلیف برای آقای کرزی پایان کار نخواهد بود، بلکه آغازی خواهد بود برای رویا روی با مشکلات و چالش های متعدد و گوناگون، عدم مشروعیت عمده ترین این چالش هاست.

اگر چه آقای کرزی شادمان است که از حمایت خارجیان برخوردار بوده واین برایش کار ساز است. اما نباید این واقعیت را نادیده بگیرد که در جهان امروز مشروعیت شرط اصلی ادامهٔ حیات برای یک نظام می باشد، حمایت خارجی از آقای کرزی هم که جای سوال زیاد دارد، درست است که یک امتیاز است اما هیچگاه مشروعیت کامل ایجاد نمی کند. حتی حمایت خارجی بدون حمایت داخلی، گاهی می تواند نقطهٔ منفی برای یک حکومت باشد.

آقای کرزی نیاز دارد برای ادامهٔ حکومتش در جهت کسب مشروعیت تلاش جدی انجام دهد. ایجاد حکومت مشارکت ملی می تواند تا اندازهٔ برای حکومت مشروعیت به میان بیاورد، اگرچه آقای کرزی برای مشارکت ملی ابراز علاقه نموده است، اما اگر هدفش از این مقوله، همان تقسیم قدرت میان موتلفین انتخاباتی اش باشد موتلفینی که جز به دست آوردن چوکی وزارت یا ولایت، هدف دیگری در سر ندارند. بدون تردید دچار توهم شده است. آقای کرزی باید متوجه باشد که مشارکت واقعی فراتر از تقسیم چوکی هاست، مشارکت واقعی شریک کردن گروه هایی است که، آنها قبل از این که برسر تقسیم چوکی ها و منافع شخصی شان بحث کنند، طرح های مشخصی را جهت اصلاح نظام و اداره در میان می گذارند.

اما آغای کرزی تاچه حدی توانسته در جهت ایجاد چنین مشارکتی گام بردارد؟

ظاهرا غیبت رهبران اپوزیسیون در مراسم تحلیف از یک سو نشان داد که وی در جلب حمایت اپوزیسیون با مشکلات جدی روبرو بوده تا هنوز در این زمینه موفقیتی نداشته است واز سوی یگر، ثابت ساخت که اپوزیسیون دلچسپی چندانی برای مشارکت در حکومت آقای کرزی ندارند. اپوزیسیون می دانند که شرکت در یکی از فاسدترین حکومت های جهان، با ریسک های زیادی همراه خواهد بود و تنها امید تغییر در نظام و اصلاح آن را می تواند، آنها را جرئت شرکت در حکومت ببخشد.

طوری که روشن است، اپوزیسیون از آغاز مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری تغییراتی را جهت اصلاح نظام پیشنهاد نموده اند و بدون آوردن تغییر و اصلاحات در نظام، آمادهٔ شرکت در حکومت کرزی نخواهند شد.

# آب از سرچشمه گل آلوداست!



وحید مژده

فساد اداری مهمترین مشکل حکومت با مردم در طول هشت سال گذشته بوده است. مساله یی که به ایجاد فاصله میان حکومت ومردم منجر شد و به خشونت و شورش ابعاد وسیع تری بخشید.

فشارهای اخیر جامعهٔ جهانی بر حامد کرزی برای ایجاد یک حکومت کمتر فاسد در حقیقت نوعی همبستگی با خواست های مردم افغانستان را نشان می دهد. شکی نیست که اگر فشار خارجیان نباشد، این حکومت هیچگونه اراده و علاقه ای به مبارزه با این پدیدهٔ شوم ندارد.

در جریان مراسم تحلیف، انتظار این بود که جناب کرزی از مبارزهٔ جدی و قاطع علیه فساد اداری سخن بگوید اما وی از این پدیده بعنوان عاملی که حکومت افغانستان را بدنام ساخته نام برد. این درحالیست که طبق یک احصائیه، افغانستان از نظر فساد اداری دومین کشور در جهان پس از سومالیا می باشد.

وقتی سخن از فساد اداری بمیان می آید، در نظر ما مامور پائین رتبه ای مجسم می شود که در یکی از دوایر دولتی پشت میزی نشسته و با ایجاد مشکل و مانع برای مراجعین، آنان را مجبور می سازد تا مبلغی پول به خانهٔ میزش بریزند اما کاش فساد در این کشور فقط در همین حد خلاصه می شد زیرا مبارزه با فساد در چنین سطح زیاد مشکل نبود اما مشکل اینست که فساد از بالاترین مقامات دولتی آغاز می شود و به همین دلیل نمی توان به مبارزهٔ جدی و پیگیر علیه آن امید بست.

اخیرا رسانه های غربی مسایلی را در رابطه با فساد در افغانستان مطرح کرده اند که نشان می دهد چگونه مخالفین مسلح دولت از فساد در این کشور تغذیه می کنند. از مدتها قبل این مسأله واضح بود که کمپنی های امنیتی برای انتقال وسایل لوژستیکی نیروهای خارجی به مخالفین دولت پول می پردازند تا از حمله به کاروانهای آنان خودداری ورزند. اما با وجود روشن شدن این مسألهٔ نهایت جدی، مهم و خطرناک، علیه این گونه کمپنی های امنیتی اقدامی صورت نگرفت زیرا این کمپنی ها متعلق به اعضای خانواده های حاکم اند که با خارجیان هم رابطهٔ نزدیک و دوستانه دارند.

پسران کاکای رئیس جمهور در شمار این گونه کمپنی داران می باشند که با طالبان مسلح هم در رابطه اند. برادران پوپل سابقهٔ قاچاق مواد مخدر را نیز داشته اند که اینک نیازی به این کار ندارند زیرا عاید آنان از پیشهٔ جدید سالانه مبالغی هنگفتی را در بر می گیرد. افزایش اعتبار و در نتیجه عاید این کمپنی ها به افزایش میزان ناامنی ها رابطهٔ مستقیم دارد تا به خارجیان نشان دهند ما کاری را می توانیم انجام دهیم که از شما ساخته نیست. پس دادن پول به مخالفین مسلح بخشی از سرمایه گذاری آنان برای تداوم این وضع است. حامد وردگ نیز از این گونه کمپنی داران است که عاید سرشارش مدیون قدرت پدرش است.

**فشارهای اخیر جامعهٔ جهانی بر حامد کرزی برای یجاد یک حکومت کمتر فاسد در حقیقت نوعی همبستگی با خواست های مردم افغانستان را نشان می دهد. شکی نیست که اگر فشار خارجیان نباشد، این حکومت هیچگونه اراده و علاقه ای به مبارزه با این پدیدهٔ شوم ندارد.**

یکی از انواع فساد، سوء استفاده از قدرت دولتی خود یا اقارب برای دست یابی به فرصت های بهتر برای بدست آوردن ثروت است. شاید این گونه افراد بگویند که آنان هرچه بدست آورده اند از خارجی ها و در برابر خدماتی است که به آنان غرضه کرده اند، اما سوال اینست که مثلا اگراقرابتی نمی داشتند می توانستند به این فرصت ها دست یابند پس چرا هشت سال قبل در چنین موقعیتی نبودند.

اینکه حکومت در طول هشت سال گذشته با فساد مبارزه نکرد به این دلیل بود که دست اندرکاران حکومت در رده های بالا خود در این کار دست داشتند و دارند.

پاک ترین وزیر در کابینهٔ آقای کرزی کسی است که تعدادی از فرزندان و اقارب خود را برای تحصیل و کار به خارج فرستاده است که خسربره و دختر و داماد شان نیز در آن شمار شامل است. این شخص مدعی است که یک وزیر وقتی از مقام وزارت برکنار می شود باید امکانات مشروع برای یک زندگی خوب در اختیار داشته باشد و من بعنوان وزیر حق داشتم تا اقاربم را به خارج بفرستم و این کار فساد نیست زیرا من فقط با ارتباطات شخصی با شخصیت های دولتی در کشور های دیگر این امکانات را برای اقاربم فراهم کردم و استفادهٔ مادی از مقام خود نکرده ام. حالا باید این مسأله را با جناب شان استدلال کرد که اگر ایشان وزیر نبودند آیا چنین امکاناتی را در اختیار داشتند؟

اخیرا اعلام شده که ادارهٔ جدیدی برای مبارزه با فساد و جرایم سنگین با همکاری وزارت های داخله و عدلیه و ریاست امنیت ملی تاسیس گردیده که در آن بعضی از نهاد های امنیتی خارجی هم همکاری دارند. درحالیکه وزارت داخله و عدلیه هم از اتهام به فساد اداری مبرا نیست و در عین حال این نکته هم مشخص است که در طول سالهای پس از سقوط طالبان، بیشترین کمک های داده شده به افغانستان را موسسات مربوط سازمان ملل متحد و موسسات غیر دولتی به مصرف رسانیده اند. این موسسات نیز متهم به فساد ادرای اند.

ابعاد فساد در کشور بحدی گسترده و در عین حال پیچیده است که نمی توان آنرا به آسانی از میان برداشت زیرا کسانی که در طول سالهای گذشته در فساد دست داشته اند با مقاسات بالای دولتی در ارتباط اند وبنابراین برای ریشه کن کردن این فساد، پنج سال آینده زمان کافی نخواهد بود.

بیاد داریم که وقتی طشت رسوائی عنایت الله قاسمی وزیر سابق هوانوردی از بام افتاد، لوی سارنوال وقت آقای دقیق به رسانه ها گفت که من می خواستم قاسمی را برای محاکمه به سارنوالی جلب کنم و احضاریه های متعددی به آدرس وی ارسال کردم اما آقای کرزی به من گفت که با وی کاری نداشته باشید!

با چنین اوضاع و احوالی اگر بخواهیم واقعا در این کشور دست به یک مبارزهٔ همه جانبه و پیگیر علیه فساد بزنیم، شاید کمتر کسی از مقامات عالی، دولتی باقی بماند که در شمار متهمین شامل نگردد و در شرایطی که آب از سرچشمه گل آلود است، آیا می توان به یک مبارزهٔ قاطع برضد فساد امیدوار بود؟

# تحلیف و مشروعیت و مقبولیت

♦ واقف حکیمی

روز پنجشنبه مراسم تحلیف آقای کرزی برگزارشد. در این مراسم شماری زیاد از مقامات بلند پایه کشورهای منطقه و جهان شرکت ورزیدند؛ وزیران خارجهٔ امریکا و روسیه و انگلیس و فرانسه و آلمان و کانادا، آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان و معاون رئیس جمهوری اسلامی ایران وزیر خارجه امارات و نمانیده خاص استرالیا در امور افغانستان و پاکستان، وزیر خارجهٔ تاجیکستان و معاون نخست وزیر ترکمنستان از شرکت کنندگان در این همایش بودند. گفته می شود بیش از سیصد مهمان خارجی در این مراسم شرکت ورزیده بودند و نیز گفته می شود که شمار مهمانان خارجی این همایش نظر به مراسم تحلیف آقای کرزی در بار نخست ریاست جمهوری اش در پنج سال پیش سه برابر بیشتر بوده است.

اما این اشتراک گستردهٔ مقامات و نمایندگان عالی رتبه این کشور ها می تواند به وجههٔ آسیب دیدهٔ ریاست آقای کرزی در انتخابات اعتبار بخشید و به آن نوعی از مشروعیت دهد؟

برخی از هواداران آقای کرزی چنین ادعا دارند و حضور گسترده این مهمانان را دلیلی بر مشروعیت ریاست آقای کرزی معرفی می دارند. مشروعیتی که در اثر اعمال تقلب در روند انتخابات شدیداً مجروح شده است.

در کنار این حضور چشمگیر مقامات بیرونی عدم حضور شخصیت هایی مانند استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور پیشین و رهبر جهاد و مقاومت، محمدیونس قانونی رئیس شورای ملی و رقیب اصلی آقای کرزی درانتخابات داکتر عبدالله عبدالله دراین همایش بر وجههٔ آسیب دیدهٔ مشروعیت آقای کرزی بیشتر تأکید کرد.

اساسا مراسم تحلیف یک رسم تشریفاتی است و آن هیچ گونه ارتباطی با مشروعیت و عدم مشروعیت حکومتی ندارد. مراسم تحلیف براساس قانون اساسی باید برگزار شود بر پایهٔ قانون انتخابات باید این مراسم پس از یک ماه از اعلام برندگی رئیس جمهور جدید



برگزار شود تا پس از آن رئیس جمهور تازه به کارش به گونهٔ رسمی آغاز کند.

حکومت مشروعیتش را بر پایهٔ قانون اساسی کشور نه از مراسم تحلیف -چه کوچک باشد چه گسترده- که از سوی مردم به دست می آورد؛ مادهٔ چهارم قانون اساسی می گوید:"حاکمیت ملی درافغانستان به ملت تعلق داردکه به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند" و شخص آقای کرزی هم در اثنای سخنرانی

**لهذا حکومت جدید آقای کرزی از پشتوانهٔ قانونی و انتخاباتی برخوردارنیست هرچند از حمایت بین المللی هم برخوردار باشد. درحالی که حمایت های بین المللی نیز با اما ها و اگر ها و شرایطی همراه بوده است. اکنون این پرسش مطرح می شود که مشروعیت نظام در قدم اول چنان که گفتیم یک امرملی و دورنی است و نه یک مسأله بین المللی و بیرونی، درست است که یک حکومت به حمایت بین المللی نیاز دارد و این حمایت به اعتبار آن در سطح بین المللی و ملی می افزاید اما پیش از آن به مشروعیت ملی نیاز دارد.**

اش در مراسم تحلیف به این مسأله اشارت کرد. ائو گفت:" صرف آرای مردم است که به حکومت مشروعیت می دهد".

بر مبنای قانون اساسی این حاکمیت ملی در هیئت حکومت به گونهٔ غیر مستقیم توسط رئیس جمهور منتخب اعمال می گردد. رئیس جمهوری که با کسب اکثریت بیش از پنجاه درصد آرای رأی دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردد. (مادهٔ ۱۶۱ قانون اساسی)

همه می دانیم آقای کرزی به بار دوم ریاست جمهوری نه از راه انتخابات که از راه تنصیب راه یافته است. زمانی که انتخابات در اثر بررسی و فیصلهٔ کمیسیون شکایات انتخاباتی در بارهٔ موارد تقلب در روند انتخابات به دور دوم رفت، دکترعبدالله شرایطی را جهت تأمین سلامت انتخابات از جعل و تقلب پیشنهاد کرد، این شرایط هرچند بسیار سهل می نمود اما ازسوی آقای کرزی پذیرفته نشد و در نتیجه دکترعبدالله انتخابات بار دوم را مقاطعه کرد. کمیسیون انتخابات به دلیل عدم شرکت دکتر عبدالله در دور دوم انتخابات آقای کرزی را در ۱۱عقرب برندهٔ انتخابات اعلام کرد، آقای لودین رئیس کمیسیون انتخابات دراین اعلام به دو گونه دلائل استناد کرد: ۱- دلائل قانونی با ماده های ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی و مادهٔ ۴۹ قانون انتخابات. ۲- دلائل مصلحتی: او برای توجیه این تصمیم جلوگیری از حوادث ناگوار، اجتناب از مصارف گزاف، رعایت مصالح علیای کشور، طولانی نشدن پروسهٔ انتخابات، پایان دادن به حالت بلاتکلیفی جامعه و جلوگیری از بتر شدن اوضاع امنیتی را از دلائل موجه این تصمیم برشمرد.

بسیاری ها به این باورند که اگر آقای لودین به جای ذکر این موارد قانونی بالا تنها به ذکر موارد مصلحتی این تصمیم اکتفا می کرد شاید از قباحت غیرقانونی بودن آن می کاست؛ چون در هرسه مورد قانونی ذکر شده اندکترین شاهدی برای مصداقیت این تصمیم وجود ندارد، و استشهاد به آن ها در این مورد جز یک مغالطه چیزی دیگر به بار نمی آورد.

اما در حقیقت اعلام برندگی آقای کرزی از سوی کمیسیون انتخابات بر پایهٔ همان نتایج دور اول بوده است، حدود۴۸ درصد، با شائبه یی از تقلب.

لهذا حکومت جدید آقای کرزی از پشتوانهٔ قانونی و انتخاباتی برخوردارنیست هرچند از حمایت بین المللی هم برخوردار باشد. درحالی که حمایت های بین المللی نیز با اما ها وا گر ها و شرایطی همراه بوده است. اکنون این پرسش مطرح می شود که مشروعیت نظام در قدم اول چنان که گفتیم یک امرملی و دورنی است و نه یک مسأله بین المللی و بیرونی، درست است که یک حکومت به حمایت بین المللی نیاز دارد و این حمایت به اعتبار آن در سطح بین المللی و ملی می افزاید اما پیش از آن به مشروعیت ملی نیاز دارد. پس آیا حکومت آقای کرزی می تواند مقبولیت ملی کسب کند؟ چیزی که ادامهٔ حیاتش لااقل بدان بسیار نیاز مند است.

حکومت آقای کرزی در بخشی بزرگ از کشور از سوی طالبان به رسمیت شناخته نمی شود، و جناح داکتر عبدالله هم که بیشتر از سی درصد رأی آورده است آن را غیر قانونی خوانده است، درچنین حالتی بسیار دشوار به نظر می رسد که حکومت آقای کرزی بتواند مشروعیت و حتی مقبولیت ملی کسب کند. مقبولیت ملی زمانی ممکن است به دست آید که حکومت ایشان بتواند در برابر همه چالش هایش و در انجام همه اولویت هایش فایق آید. این امر به نوبهٔ خود متوقف به حمایت ملی است، این حمایت ملی در بیرون از چهارچوب قانونی درگیرو نیروهای ملی است، این نیروهای ملی می توانند آقای کرزی را در باز گرداندن امور به حالت طبیعی و مجری های قانونی یاری رسانند.

آیا حکومت آقای کرزی این رشد و توانایی را باز خواهد یافت یا در برهوت راه نیافتگی پیش خواهد رفت؟

## جامعهٔ جهانی در صدد خروج...

هیلاری کلینتون وزیر خارجهٔ امریکا نیز در مصاحبهٔ اخیر خویش تصریح نمود که کشورش علاقه برای حضور دراز مدت در افغانستان ندارد، وی تأکید کرد که هدف آن ها از آمدن به افغانستان شکست القاعده است نه پیاده کردن یک حکومت دموکراتیک با معیارهای غربی.

کارشناسان پیش بینی می کنند که اوباما ناگزیر است تقاضاهای فرماندهان خود را مورد توجه قرار داده و اقدام به افزایش سرباز نماید، اما هنگام اعلان این تصمیم، او فرصت مناسبی خواهد یافت تا به صورت مشخص تری از استراتیژی خروج از افغانستان صحبت نماید.

در لندن نیز نارضایتی شدید از حضور در افغانستان به چشم می خورد. گوردون براون در سخنانی که به مناسبت کشته شدن شش تن سربازآن کشور در افغانستان ایراد نمود، با بهانه قرار دادن فساد حکومت افغانستان گفت، انگلیس آماده نیست جان سربازانش را به خاطر یک حکومت فاسد به خطر بیندازد.

چندی پیش انگلیس با سراسیمگی طرح شرکت طالبان در قدرت را طرح نمود، که از نظر کارشناسان این طرح جزء استراتیژی خروج انگلیس ارزیابی شد.

دیوید میلی باند وزیر خارجهٔ انگلیس در سخنرانی اخیر خویش در اجلاس پارلمانی ناتو در انبره گفت، اکثریت طالبان به جهاد علیه جهان غرب اعتقاد ندارند و فراهم آوری قناعت آنان ممکن است.

گرچه طرح انگلیس جهت مصالحه با طالبان نا مشخص و ابتدایی به نظر می رسد، اما فکر می شود توجه به راه حل های سیاسی بخش مهم استراتیژی خروج بریتانیا از افغانستان را تشکیل می دهد.

از چندین ماه بدینسو اروپائیان از برگزاری یک کنفرانس بین المللی در بارهٔ افغانستان حرف می زنند، تقویت نیروهای نظامی افغانستان بحث عمده در این کنفرانس خواهد بود.

چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته گوردون براون این موضوع را مطرح کرد و به صورت داوطلبانه مسوولیت میزبانی آن را به عهده گرفت، گوردون براون در این سخنرانی با صراحت بیشر موضوع خروج از افغانستان را بازگو کرد، او از سیاست افغانیزه کردن جنگ و امنیت صحبت کرد و در مورد طرح واگذاری تدریجی امنیت به نیروهای افغانستان توضیح داد.

اگرچه فکر می شود خروج غرب از افغانستان بدون شکست القاعده و طالبان و ایجاد یک حکومت و ادارهٔ سالم به معنای شکست امریکا و ناتو و پیروزی القاعده تلقی خواهد شد، که پذیرش آن برای غرب ناممکن است، اما طرح این مسئله ناامیدی غرب را از پیروزی در جنگ افغانستان و ساختن یک ادارهٔ سالم منعکس می سازد.

# هدفمندی ادبیات

**قسمت سوم**

پروفیسور دکتر قیام الدین راعی برلاس

همانگونه که خصیصهء اصلی ادبیات عرب غنایی، ادبیات چین و هند فلسفی و اخلاقی است، ادبیات ترک خراسان وجوه عمیق حماسی دارد. در ادبیات دری حتی عرفان و فلسفه نیز آنقدر با روح انقلابی آمیخته است که خود هر کدام حماسهء جداگانه یی به شمار می آید و شرط نیست که بریدن ها، دریدن ها، شکشستن ها درمیان باشد. زیرا عرفان و فلسفه در ادبیات دری سرشار از اندیشهء تحرک و مبارزه است، روح افسردگی، تسلیم طلبی، انزوا و غیر پرستی را نه در آثار سنایی، عطار، مولانا، حافظ، سعدی، جامی و امیر خسرو می توان سراغ کرد و نه در آثار بیدل، به خصوص در آثار عمیق فلسفی و تصوفی بیدل روح افسردگی و تسلیم طلبی هیچ گونه مفهومی ندارد، چون بیدل خودش یک افسر و فرماندهء نظامی است. عرفان او و فلسفهء تحرک و مبارزه است، آن هم مبارزهء گرم و آتشین. در آنجا که می گوید:

**زین عرصه اضداد مکش ننگ فسردن**
**گیرم همه تن صلح شوی جنگ برون آ**
**در مزاج خلق بیکاری هوس می پرورد**
**غافلان نام فضولی را تصوف کرده اند**

وقتی سخن از هدفمندی ادبیات درمیان می آید، مشخصهء ملی ادبیات مطرح می شود. ملی گرایی و یا بهتر گفته شود احساسات وطن پرستی و حماسه آفرینی در ادبیات دری در قالب های گوناگونی افاده شده است که در رأس آن شاهنامه قرار می گیرد. شاعران در قالب های قصیده، غزل، قطعه و امثال آن نیز حماسه آفرینی کرده اند. حماسه و یا شعر رزمی که محتوای اصلی آن را دفاع از آزادی، تمامیت خاک، نوامیس ملی و به اختصار ارزشهای ملی تشکیل می دهد، مبین عمیق ترین احساس افراد یک جامعه در برابر متجاوزان و ستمگران است. قهرمانان حماسه ها پهلوانان اند. پهلوانان در فرهنگ خراسان پاسداران ملی از همه گونه ارزشهای مادی و معنوی جامعه به شمار می آیند. پهلوانان اساطیر چهره هایی اند که به تنهایی با صدها نیروی اهریمنی که پا در حریم میهن شان گذاشته اند، نبرد می کنند. رستم سیستانی چهره ایست که همهء آرمان های مردم در شخصیت او تمرکز یافته است، در واقع هر خراسائی در دفاع از میهن خود رستم جداگانه است. وقتی گشتاسپنامهء دقیقی و شاهنامهء فردوسی را ورق می زنیم، عالیترین نمونهء ادبیات هدفمند در برابر چشم ما قرار می گیرد. زیرا همه جا احساس دفاع از ارزشها و خشم در برابر دشمن و نگهداشت هوشیاری ها چون مشعلی در جلو چشم خواننده می درخشد.

نیرومندی این احساس را فردوسی چنین ترسیم می کند:

**همه سر به سر تن به کشتن دهیم**
**از آن به که کشور به دشمن دهیم**
**چنین گفته موید که مردن به نام**
**به از زنده دشمن برو شاد کام**
**مگر تا نترسی تو از مرگ و چیز**
**که کس بی زمانه نمرده است نیز**
**و گر سست خواهد ترا روزگار**
**چه نیکو تر از مرگ در کارزار**

شاهنامهء فردوسی نه تنها اعلامیهء آزادی، آزادمنشی و آزاد زیستن خراسانیان است، بلکه مشعل آزادی و نبرد در برابر همه گونه نیروهای اهریمنی که جز امحای انسان و حقوق انسانی هدف دیگری ندارند، به شمار می آید. ترجمهء شاهنامه به زبان های عمدهء جهانی چون انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی خود بیانگر ارزش جهانی این اثر است که روح حماسی را در ادبیات اروپا مایه می بخشد.

روح ملی به حیث هستهء حماسه ها در ادبیات دری از نخستین دوره های ادبی تا امروز به حیث یک جریان خروشنده موجود بوده و این خود ضامن نگهداشت هویت ملی مردمان ما شده است. در اوایل قرن سوم هجری قطعهء معروف حنظلهء بادغیسی که ترمیم کنندهء پس منظر روانی مردم ماست، مشحون با عمیق ترین روحیهء وطنپرستی است که در واقع وظیفهء ادبیات را نیز مشخص می کند:

**مهتری گر به کام شیر درست**
**شو خطر کن زکام شیر بجوی**
**یا بزرگی و عز و نعمت و جاه**
**یا چو مردانت مرگ رویاروی**

این روح ستیزنده در همهء دوره های ادبی کشورما با گذشت ماه ها، سالها و قرنها چون نیروی خروشان دره ها، وادی ها و کوه پایه های میهن ما را جان بخشیده و نبعان این روح سیال چون غرش ابرهای کوه پیکر به گوش تجاوزگران نیز حلقه بسته است. قصاید عنصری، فرخی، عسجدی و منوچهری همان ماهیتی را دارد که شاهنامهء دقیقی و فردوسی و مثنوی های سنایی، عطار و مولانا.

ادبیات دری در همهء دوره ها ماهیت اجتماعی خود را دنبال کرده است. اشعار تعلیمی و فلسفی این دوره ها بازهم انعکاسی از روح رزمندهء مردم ما در دفاع از مفهوم انسانیت و حقوق انسانی و واقعیت های آن روز جامعهء خراسان است. قلب شاعران و نویسندگان ما که از وضع نا به سامان میهن از بنگاله تا سرزمین فرعونیان پراگنده شدند، همیشه برای کابل، بلخ، بدخشان، غزنه، سیستان و هری می تپید. اگر ناله های مولانا را به کسوت های رنگارنگ عرفانی آراسته نسازیم، در واقع از دوری اصل یعنی از دوری وطن می نالد و روزگار وصل به آغوش بلخ را می جوید.

زیرا در هر جایی هر کس از ظن خود یار او شدند و اسرار جدایی اورا نجستند.

قلب ناصر خسرو قبادیانی بلخی تنها و تنها در یمگان آرام گرفت. بنا بران آثار شاعران و نویسندگان ما جز آیینهء تمام نمای جامعهء ما چیز دیگری نمی توانست باشد و مایهء اصلی این آثار واقعیت های عیشی جامعهء ما مملو از پیام های اجتماعی و تحرک است. تصوف در ادب دری در واقع مبارزه با یک سلسله تجرد نگرها و نا به سامانی های اجتماعی و روانی در جامعه است. دور تیموریان هرات از جهت توسعه هر گونه انواع هنر به شمول ادبیات و هدفمندی ادبیات و هنر در روند تکامل جامعه درخشان ترین دور تاریخ کشور ماست. فعالیت های ادبی و هنری دور تیموریان در واقع هویت ملی کشور ما را در سطح جهانی تسجیل نمود. پایه های مکتب هندی که توسط شاعران مهاجر خراسانی چون امیر خسرو لاچینی بلخی پی ریزی شد، با ابوالمعانی بیدل بدخشانی به نقطه یی رسید که هیچ سخن سرایی را یارای رسیدن به آن مقام میسر نگردید. بیدل همه گونه اندیشه ها از تصوف، اخلاق، فلسفه، تا دقیق ترین بینش های اجتماعی، ملی و ادبی را هم از جهت شکل و هم از نظر محتوی چنان متبحرانه توضیح کرد و در گران بها را از اعماق بحر متلاطم حقایق برون آورد که در صدر کاخ ادب و هنر دری قرار گرفت و به قول دانشمند مشهور ترک مرحوم احمد آتش، بیدل که به آخرین پلهء کنگرهء تصوف و فلسفه رسیده بود، از آنجا به مولانا و دیگران که تا هنوز پا به نردبان نگذاشته اند، با هیبت مفکرانه نظاره می کرد.

در آثار بیدل کوچکترین پدیده های طبیعت روان آتشین دارد و پر از تحرک است و با زبان سحر آگین سخن می گوید. از مرغزارها، کوچه ها و صخره های هیبتزا که بگذریم، آبشارها، قطره ها و حباب ها هم از دل تاریخ می گویند و واقعیت هایی را به خواننده می آموزاند، تا همهء اینها الهام باشد به انسان که بتواند بر مبنای آن زندگی آینده را پی ریزی کند و توانایی تفکیک زشتی ها را از زیبایی ها به دست بیاورد. همان گونه که سعدی هر برگ درختان سبز را ورقی از معرفت کردگار در نظر هوشیار می داند، بیدل از فقدان چشم بینا، گوش شنوا و دل آگاه در ادراک واقعیت ها شکایت دارد و انسان را در رسیدن به کنه حقایق دعوت می کند. چون بیدل در شرایطی قرار دارد که امپراتوری بابری در هنر با گذشت هر روز رخ به اضمحلال می کشاید و معروض به بازی های گوناگون گردیده است. آنچه را که بیدل می بیند اکثر از ادراک آن آن عاجزند و در این جاست که بیدل با اتکاء به رسالت ادبیات به همهء پدیده ها جان می بخشد و آنان را در ایجاد انقلاب در دنیای احساس و عواطف خواننده بسیج می کند:

**دمیده است چو نرگس در این تماشاگاه**
**هزار چشم و یکی را نصیب دیدن نیست**

ادبیات معاصر دری، در واقع سیر تکامل چند قرنهء ادبیات کشور ما را در نفس خود نهفته دارد. اخلاق، تربیت، وطنپرستی، انسان دوستی، آزادمنشی، آزادیخواهی، دشمن شکنی به حیث یک جریان تاریخی محتوای اصلی ادبیات را ساخته است. پدر نثر معاصر دری محمود طرزی زمانی که می گوید:

**وقت شعر و شاعری بگذشت و رفت**

منظورش از شعر و شاعری است که در آن نه هدفی وجود دارد و نه تعهدی. ورنه خودش با این پارچه شعر خود به آموزش نسل جوان می پردازد تا از دانش و فرهنگ جدید بهره گیرند. روح اصلی ادبیات معاصر دری بازهم آزادیخواهی و حماسه آفرینی است. اکبر نامهء حمید کشمیری، محاربهء کابل و یا ظفرنامه، جنگنامه از پدیده های با ارزش این دوره است. تأمین استقلال کشور بر مبنای سیاست ملی و اصلاح طلبی امیر امان الله خان بر نهادهای گوناگون جامعه و از جمله ادبیات و هنر اثرات عمیقی به جای گذاشت، به عبارت دیگر بر هدفمندی ادبیات یکبار دیگر تأکید به عمل آمد. از صدها شاعر و نویسندهء اصلاح طلب، ملی گرای و آزادی خواه در گوشه و کنار کشور در این دوره می توان از محمود طرزی، میر سید قاسم، عبدالهادی داوی، صلاح الدین سلجوقی، محی الدین انیس، ملک الشعراء قاری، ملک الشعراء بیتاب، عبدالعلی مستغنی، شاه عبدالله بدخشی، خلیل الله خلیلی، کریم نزیهی اندخویی و نادم میمنگی یاد کرد.

از اوایل قرن بیستم به بعد که بینش انتقادی و اصلاح طلبی با صبغهء اجتماعی و سیاسی ن در ادبیات دری با گذشت هر روز نیرو می گرفت، این شیوه آهسته آهسته در آثار بعضی از شاعران و نویسندگان کاملاً بر مبنای طرز دید مارکسیستی استوار گردید که از خصلت طبقاتی بر خوردار بود. از آنجا که این جهان بینی از جهات گوناگون تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی در جامعهء ما پدیدهء نو به شمار می آمد و با ساختمان اجتماعی جامعه نیز تطابق چندانی به هم نمی رسانید، شاعران و نویسندگان پیرو این طرز دید بیشتر روی یکنوع تقلید و تفنن حرکت می کردند. این امر سبب می شد که اینان از ادراک واقعیت های جامعه عاجز بمانند و هر پدیده را بر محک مغایر طبقاتی بیازمایند، در حالیکه مردم ما در زیر بار ستمگری های ملی رنج می برند. بنا بر آن روح ملی در آثار این شاعران و نویسندگان جایی نداشت. از طرف دیگر چون این طرز دید به طور خاص شکل ابزار سیاسی سیستم شوروی سابق را به خود گرفت، ماهیت علمی آن نیز دگرگون گردید. شاعران و نویسندگان دارای چنین جهان بینی نیز در گرو این متاع سیاسی در آمدند که آرمان های ملی تحت نام دید انترناسیونالیستی فدای پالیسی ماسکو می شد. این کار به جایی کشید که کلمات کرملین، ماسکو، لینین، میدان سرخ، اردوگاه سرخ، روس، ستارهء سرخ و مانند این ها هر کدام تجلی گاه آرمان های فردی و بین المللی این دسته از شاعران و نویسندگان قرار گرفت.

سخن از حماسه آفرینی های قهرمانان و پهلوانان ملی کشور انعکاسی از طرز دید عقب گرایی تلقی گردید. در حالی که با اشغال کشور از طرف اردوی سرخ، حربهء قاطع و خشم آفرین در برابر اشغالگران احساس ملی

ادامه دارد

# آزمون سراسری معلمان در کشور

**عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل**

**تعدادی از معلمان نظر به عدم موجودیت شفافیت و عدم اطمینان از نتیجه آن، سوء استفاده کردند و این آزمون را سفارشی و تبلیغاتی خوانده اند. از جانب دیگر با توجه به فساد گسترده یی که در این نظام وجود دارد. هیچکس به نتایج بیطرفانه بودن این آزمون باور ندارد. برخی فکر می کنند با استفاده از این امتحان وزارت معارف که متهم به قوم گرایی و سیاست های غیر ملی است معلمانی که نمی پسندند از معارف کشور اخراج نمایند**

***

**همچنان وقت معین برای این امتحان در نظرگرفته نشده است. در حالی که در یک امتحان دقیق باید وقت در نظر گرفته شود و انضباط شدید یک سان بالای کسانی که امتحان را سپری می نمایند، مرعی گردد.**

آغاز قرن بیستم درافغانستان با معارف عصری توأم بوده است در سپیده دم این قرن، افغانستان آرام آرام تغییر و پیشرفت را در حوزه معارف تجربه کرد، مکاتب عصری به سویه غرب درشهرکابل و شهرهای بزرگ دیگر یکی پس از دیگری تاسیس گردید.

همیشه یکی از مشکلات معلمان نبود رفاه اجتماعی بوده است. معلمان همیشه از پائین بودن حقوق خود شکایت داشته اند. هیچ حاکمیتی در افغانستان به این مشکل معلمان توجه نکرده است.

طوری که درسال های متمادی چیزی به نام شهرک معلم واستاد وجود نداشته است، بلکه بنام شهرک پولیس قوای مسلح و استخبارات شهرک هایی وجود دارد.

در جریان تمام تحولات کشور تلفات انسانی را همین معلمان کشور به دوش کشیده اند، در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک ضربه شدیدی به معلمان وارد شد، شماری ازمعلمان توسط حکومت کودتایی سر به نیست شدند و یا به زندان افتیدند، شماری دیگر راه مهاجرت را در پیش گرفتند و از کشور خارج شدند. وجلب جریان جهاد ومقاومت گردیدند.

آن عده از معلمان که در کشور ماندند با سربازگیری رژیم روبرو شدند و آن ها را با دادن برخی از امتیازات به دستگاه های جهنمی استخبارات جذب نمودند.

مشکل دیگر معلمان این بود که هیچگاه نتوانستند در میان خویش

هماهنگی ایجاد کنند و با تاسیس یک اتحادیه از حقوق خود دفاع نمایند.

در دوره کنونی نیز معارف و معلمان صدمه شدیدی را متحمل شدند در ولایات کشور تعدادی با کمترین سواد و معلومات مسلکی به صفت معلم استخدام گردیده اند. بعد از سال ۲۰۰۱ و حکومت های موقت تا هم اکنون دولت توجه اساسی به زندگی معلم نه نموده است.

هر چند ظرف این سال ها به تعداد مکاتب درکشور افزوده شده و میلیون ها کودک راهی مکاتب گردیدند، اما در جهت زندگی و مشکل اقتصادی معلم، توجهی نشده است. در پهلوی کارهای غیرمفید و ضروری که این وزارت انجام داده است می توان از تجزیه صنوف به دری و پشتو نام برد. بهبودی وضعیت اقتصادی معلمان هر سال در آغاز سال تعلیمی چنین وعده های به معلمان کشور داده شده است.

که به گفته استاد خلیل الله خلیلی:

گفتند به کودکی که از پسته و قند
در تاق بلند
برجست وتپید و دید چون زهر نبود
افتاد و غنود

به ادعای وزارت معارف در حدود ۴۳ هزار معلم در سراسر کشور آزمون را سپری کرده اند، هدف این آزمون تنظیم رتب معاشات معلمان خوانده شده است، این ادعا برای معلمان فقیر و نا امید آهنگ خوشی به شمار می آید، اما این پروسه مورد انتقادهای گسترده یی قرار گرفته است. برخی گفته اند شماری زیادی از مسؤولان و مدیران این وزارت نه فلسفه آموزش و پرورش را می دانند و نه هم در این رشته تخصص و آگاهی مسلکی دارند. بناء برنامه ریزی یک طرح کلان درعرصهٔ معارف توسط یک تیم غیرمتخصص آن هم با شتابزدگی تمام، ناگزیر با کمبودها و نقایص زیادی همراه خواهدبود.

برخی شک دارند که دراین آزمون شفافیت وجود داشته باشد درست فهمیده

نمی شود کسانی که از این آزمون موفق به در نیایند با چه سرنوشتی مواجه خواهند شد. از سوی دیگر تعدادی از معلمان که بیشتر از بیست ویا سی سال را در کار آموزش و پرورش سپری نموده اند و مسلکی می باشند گذراندن آزمون برای آن ها مناسب نیست. چگونه می توان معلمی که ۳۰ سال تجربه داشته و در شرایطی سخت دست از آموزش کودکان وطن بر نداشته اند و یا معلمی که تحصیلات عالی داشته باشد، دوباره او را امتحان گرفت و چگونه می توان در یک امتحان شتابزده سویه تحصیل و سطح مسلکی او را تشخیص داد؟

همچنان وقت معین برای این امتحان در نظرگرفته نشده است. در حالی که در یک امتحان دقیق باید وقت در نظر گرفته شود و انضباط شدید یک سان بالای کسانی که امتحان را سپری می نمایند، مرعی گردد.

تعدادی از معلمان نظر به عدم موجودیت شفافیت و عدم اطمینان از نتیجه آن، و این آزمون را سفارشی و تبلیغاتی خوانده اند. از جانب دیگر با توجه به فساد گسترده که در این نظام وجود دارد. هیچکس به نتایج بیطرفانه بودن این آزمون باور ندارد. برخی فکر می کنند با استفاده از این امتحان وزارت معارف که متهم به قوم گرایی و سیاست های غیر ملی است، معلمانی را که نمی پسندند از معارف کشور اخراج نمایند.

اما گروه دیگر اظهار خوشبینی کرده و گفته اند درصورتی که این اقدام وزارت معارف منجر به بهبودی وضعیت معلمان شود وآن ها بتوانند، نظر به استعداد و

توانمندی های علمی سان از یک مسمری آبرومندانه بر خوردارگردند، کار خوبی است.

## اداری فساد...

له ډېرو پخوا وختونو څخه موجوده وه خو د هغه کچه د اوسنی حکومت سره د مقایسی وړندی!

په شاهی نظام کې هم اداري فساد موجود ؤ او داوودخان په جمهوریت کې د اداري فساد سطحه ټیټه شوه او بیا په کمونیستی رژیمونوکې له پخوا نه هم کمه شوه، ځکه چې په حکومت کې ګوندي کسان ډیرکم په اداري فساد اخته ول او نورکسان (غیرګوندی) په حکومت کې ډیر کم شتون درلود او د ګوندیانو له ویره نشوای کولای چې په اداري فساد ککړ شي...

دا زمونږ د تاریخ یوه نه هیریدونکې واقعیت دي چې کمونیستان د خپل حکومت په دوره کې ډیرظلمونه کړي او د بشرله حقونو نه د سرغړاوي مرتکب شوی دي او ددی هیواد د ډیرو پوهو او علمي او فرهنګی زیرمو د شهادت او شکنجی لامل شوی دی او دا هیواد یې د نړیوالی الحادي امپریالیسم په لومو کی وربنګیل کړی دی او... خو دا هم واقعیت ده چې په اداري فساد کی ډیر کم ککړو....

د مجاهدینو په حکومت کې دامنیت د وضعی د خرابوالی له وجی نه او د کورنی جګړو له امله د یو سالم او ځواب ورکونی حکومت چې په ټول هیواد باندی مسلطه وی د جوړیدو خوبونه هسی خوب پاتی شو خو بیاهم له ننی ورځی سره په مقایسه کی ویلای شو چې سره له دی چې نړیوالی مرستی نه وې او زمونږ ګاوندیان هم دحکومت په خلاف مخالف جګړه ماروانو سره مرستی کولې. خو د اداري فساد کچه له نن څخه بهتره وه...

اوس چې نړیواله ټولنه او په تیره بیا امریکا او برتانیه په کلکه دا غواړي چې راتلونکي حکومت له اداري فساد نه پاکه وي او که نه نودهغوی له مرستو څخه به برخمن نه وي. نو ویلای شو چې راتلونکی حکومت ددی فشار تر اثر لاندي کیداي شی چې ګړندی او چټک ګامونه پورته کړي.

## حکومت افغانستان دومین فاسد ...

و پس از نیوزیلند کشورهای دنمارک، سنگاپور و سویدن قرار گرفت.

گزارش شفافیت بین المللی در روزهای به نشر رسیده است که حامدکرزی دومین دور ریاست جمهوری خویش را آغاز نمود و با چالش های بزرگی روبروست یکی از مهمترین چالش های حکومت وی مهار دومین فساد گسترده حکومتی در سطح جهان است. فسادی که میراث هیچ حکومتی جز حکومت خود وی نیست. آیا کرزی خواهد توانست در دور دوم حکومت خویش فسادی را که از دور اول حکومتش برجای مانده از میان بردارد؟

در مبارزه با فساد توجه به عوامل آن شرط اصلی موفقیت است. اگر چه آقای کرزی تعهد نموده است که علیه فساد مبارزه جدی خواهد کرد، اما هیچ کس نمی تواند به مردم افغانستان وجامعه بین المللی اطمینان دهد که او خواهد توانست، پیشرفت قابل ملاحظه در مبارزه با فساد بدست آورد.

هرچند که فساد درافغانستان عوامل متعدد و پیچیدهٔ دارد اما بدون شک ویژگی های ساختاری دولت افغانستان و قوانین و روش های حکومت داری آقای کرزی مهمترین عوامل فساد درکشور دانسته می شود.

تغییر درساختار قدرت که به صورت



واقعی تفکیک قوا را تامین کند و دستگاه های قانونگذار و قضاییه از تحت سلطه قوه مجریه رهایی یابند و بتوانند به صورت آزادانه وظیفه تصویب قوانین و نظارت برآن را اعمال نمایند، گام اساسی و نخستین در مبارزه با فساد وتقویت دولت درافغانستان خواهد بود.

بدون تغییر در روش های حکومت داری آقای کرزی که مبتنی بر پارتی بازی، حمایت شرکای قدرت و منافع در برابر قوانین و ضوابط فساد از میان نخواهد رفت.

حقوق و امتیازات برابر همه شهروندان در برابر قانون و از میان رفتن و فرهنگ معافیت از بازرسی و مجازات در میان مامورین و هواداران حاکمیت می تواند کاهش قابل ملاحظه در میزان فساد درکشور به میان آورد و وضعیت حکومت داری در افغانستان را بهبود بخشد.

کسانی که ادعا می کنند در مورد روانشناختی مدیریتی آقای کرزی اطلاع دارند در این زمینه فوق العاده بدبین اند.



## په جنوبي وزيرستان له يرغل وروسته:

# پاکستاني دولت يوځل بيا د طالبانو تر ګوابښ لاندې

شفيق

د پاکستان دولت نړدې له يوې مياشتې راهيسې په جنوبي وزيرستان کې په هغو ځايونو درنې حملې پيل کړيدي چېرې د پاکستاني طالبانو او ازبک اورپکو پاخه مرکزونه وو، "دخلاصون ليار" ترنامه لاندې د دولت لخوا پدغو ځمکنيو او هوايي بريدونو کې چې د طالبانو په مراکزو تر سره کيږي. تر دا مهاله په لسګونو دولت مخالف طالبان او بهرني اورپکي وژل شويدي او هم يې دپاکستاني دولت لورې ته درانه تلفات اړولي دي، ددې حملو په لړ کې يوازې دسه شنبې په ورځ د يو سل او اتيا په شاوخواکې طالبان د پاکستاني پوځيانو په لاس وژل شوي دي او د دولت لورې کې هم اوه تنه پوځيان مړه او څوارلس ټپيان شوي دي.

تر دا مهاله د طالبانو ځيني پاخه مرکزونه چې په وزيرستان کې وو، دپاکستاني پوځيانو لخوا نيول شوي دي چې لدې مراکزو څخه وروستي مهم مرکز د"سري روغي" وو چې د سه شنبې په ورځ له طالبانو او اوزبک اورپکو ونيول شو.

دپاکستان دولت په سوات، ملاکند، باجوړ، مهمند او خيبر ايجنسيو کې يې د طالبانو له ځپلو وروسته هغه وخت په جنوبي وزيرستان د درنو حملو تابيا ونيوله کله چې د امريکا د دولت لخوا دغه هيواد ته کلنې يو نيم ميليون ډالري مرستې پدې مشروط شوې چې د القاعده د پلويانو، طالبانو او اوزبک اورپکو پرخلاف جدي دقدم او چت کړي خو دپاکستان دولت له يووي خوا دسوات په پرتله دلته له اوږده مقاومت او تلفاتو سره مخ شوي، ځکه پدې سيموکې د طالبانو تجربه کار جنګيالي راغونډ شوي دي او دخپلې بقا وروستۍ جګړه په ډير شدت سره کوي اوله بلې خوا يې له پاکستاني دولت څخه د کسات لړۍ هم ډيره ګړندۍ او پراخه کړيده ځکه د پاکستان په مختلفو ښارونو او په ځانګړې توګه په پيښور کې په يوه اونۍ کې نهه درنې حملې د طالبانو او اورپکو دځواک او قوت ښکارندوې دي چې ډيرې يې د امنيت او استخباراتي ادارو په مراکزو ترسره کړي دي او پکې يې د پاکستان دولت ته ستر زيان رسولي دي. پدې لړ کې د دوشنبې په ورځ په پيښورکې په خيبر سرک باندې داى ايس آى د ودانۍ په دوازه کې چاودنه يې غوره مثال دي او له دې مخکې په بنو کې هم دې ته ورته پېښه شوې وه چې په لومړنۍ کې ديارلس تنه وژل شوي او دسلو په شاوخواکې ټپيان شويدي او داسيمه په پيښورکې تر ټولوخوندي سيمه ده ځکه دلته د سرحدايالت د مشر وزير او والي اويس احمد غني او حيدرخان هوتی کورونه هم دي همدارنګه په دوهم بمي بريد کې چې په بنو ښارکې د پوليسو په يو مرکز ترسره شوی وو، په هغې کې هم اوه لس تنه پوليس وژل شوي وو.

د يکشنبې په ورځ د دولت ددوو تنو پلويانو او هم په يوه سيمه ايزو ناظم باندې او په باجوړ کې د حکومت پلوي ملک شيرزمان باندې حملې او هم د دوشنبې په ورځ په پيښورکې په يو پوليس مرکز باندې حمله چې څلورتنه پکې وژل شوي او ترځنګه يې جومات ته هم زيان رسيدلي او د سه شنبه په ورځ کې په کويټه کې بله بمي حمله هغه څه دي چې په جنوبي وزيرستان باندې د پاکستان د دولت ديرغل او درنو حمله کسات ګڼل کيږي، دکوم له امله چې دپاکستان له حکومت څخه هم نوره لاره ورکه شوې او هغه دچا خبره چې په تامې زور نه رسيږي او مړ به دې پلارکړم دپاکستان حکومت هم بيا دغه کسات زمونږ له مهاجرينو افغانانو ورونو اخلې چې پدې څو ورځو کې يې په مردان او صوابۍ سيموکې نږدې درې زره مهاجرين چې ددووسوو په شاوخوا کې پکې د جوماتونو امامان شامل هم دي، نيولي دي.

او دپاکستان حکومت له مهاجرينو سره خپله رويه سخته کړيده چې د شمشتو په کمپ باندې د پوليسو يوه نيمه اونۍ مخکې حمله هم دهمدې لړۍ يوه کړې وه کوم کار سره چې دپاکستان سفير د بهرنيو چارو وزارت ته د احتجاج په توګه غوښتل شوی هم وو او دهيواد ولسي جرګې د مهاجرينو چارو وزير براهوي او دبهرنيو چارو سياسي مرستيال له همدې امله پارلمان ته غوښتني وو څوپدې هکله له پاکستاني مقاماتو سره په تماس کې شي او هغه کار او روش پريږدي چې يو کال مخکې د ايران هيواد زمونږ له مهاجرينو ورونو سره په ايران کې پيل کړي وو، ځکه مهاجرين ديوې نړيوالې معاهدې له مخې په دغو هيوادونو کې اوسيږي.

نو د يو نيم ميليارد ډالر لاسته راوړل د پاکستان دولت ته ښايي ډير ګران تمام شي چې له مله يې دپاکستان حکومت له نوي ګوابښ سره مخ کړيدي، همدارنګه پدغه دولت کې د آصف علي زرداري د ګوند د حکومت سره د نواز شريف مسلم ليګ اختلاف لوړيدل د پاکستان دولت لپاره يو بل چلنج دي چې ښايي لامله يې د پاکستان دولت پدې ونه توانيږي چې د امريکه له دولت سره د اورپکو او طالبانو پرخلاف جدي ګام او چتولو اودهغوې ځپلو کې بريالي شي، دپاکستان دولت ته ورپيښې ګوابښونه او ستونزې د پاکستاني د پخواني نظامي واکمن جنرال مشرف د هغو پاليسيو پايله ده چې نوموړي دخپلې واکمنۍ په مهال پرمخ بيولي.

**دپاکستان دولت په سوات، ملاکند، باجوړ، مهمند او خيبر ايجنسيو کې يې د طالبانو له ځپلو وروسته هغه وخت په جنوبي وزيرستان د درنو حملو تابيا ونيوله کله چې د امريکا د دولت لخوا دغه هيواد ته کلنې يو نيم ميليون ډالري مرستې پدې مشروط شوې چې د القاعده د پلويانو، طالبانو او اوزبک اورپکو پرخلاف جدي دقدم او چت کړي خو دپاکستان دولت له يووي خوا دسوات په پرتله دلته له اوږده مقاومت او تلفاتو سره مخ شوی**

# جنگ سالار!

فقیری

فرماندهان و مجاهدینی که در سال های سخت و دشوار علیه تجاوز خارجی و امپریالیسم سرخ شوروی در دفاع از عقیده و آزادی کشور به مبارزه و جهاد برخاستند و حماسه ها آفریدند، در طی سال های جهاد با نام مجاهد راه آزادی با تکریم واحترام از سوی کشورها و رسانه های غربی یاد می شدند...

زمانی که به برکت خون شهدای ما و ارادهٔ پایدار مجاهدین، امپریالیسم جهانخوار روس با شکست مفتضحانه روبروشد و کشور ما را ترک گفت، کشورها و رسانه های یاد شده، عناوین و القاب دیگری را بکارگرفتند و در مورد رهبران و فرماندهان جهادی گفتند و نوشتند که برخی از این ها متهم به تولید وقاچاق مواد مخدر اند و متهم به نقض حقوق بشر واز آن زمان تا امروز هر چند گاهی عنوان جنگ سالار را نیز به کار می برند.

آهسته آهسته بعضی از گروه های ملیشه را نیز با این نام ولقب مفتخر ساختند و انصاف خود را نشان دادند که ما تنها مجاهدین را جنگ سالار نمی گوئیم بلکه فرماندهان ملیشه ها را نیزبه همین نام یاد می کنیم.

بعد از نشست بن که طبق خواست کشورهای یاد شده صورت گرفت و تعدادی از همین به اصطلاح جنگ سالاران در آن دعوت شده بودند، یک بار دیگر این نام بر زبان ها و صفحات وامواج رسانه های مذکور جاری شد و در داخل وخارج دولت افغانستان نیز حلقات خاصی گاه و بیگاه این نام را به حیث یک حربهٔ تبلیغاتی علیه رقبای مشخص خویش به کار گرفتند... چند سالی این صدا ها خاموش شد و اکنون پس از انتخابات ناکام ریاست جمهوری و فیصلهٔ کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات مبنی بر اعلام آقای کرزی به حیث رئیس جمهور برای پنج سال آینده و زمزمه های تشکیل و ترکیب حکومت جدید، غرب یک بار دیگر دو موضوع را مهم گرفته، یکی فساد اداری و دیگری عدم حضور جنگ سالاران در حکومت جدید! رسانه های غربی و به تبعیت از آن برخی از رسانه های کشور ما به این دو موضوع توجه جدی مبذول داشته و یک مشکل بزرگ دیگر را فرا راه تشکیل حکومت آینده قرار داده اند.

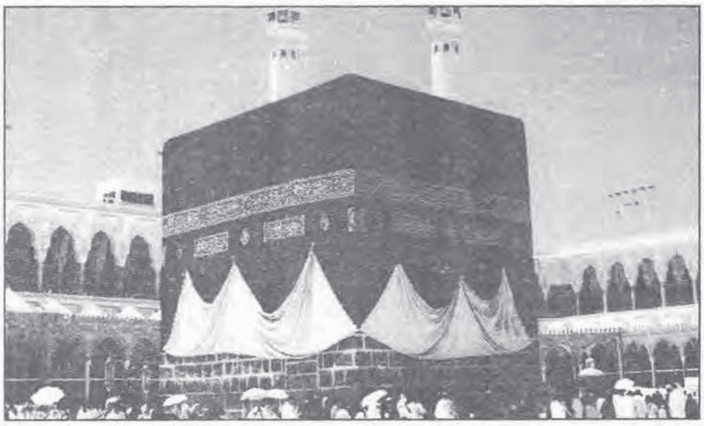
مشکل اصلی برای آقای کرزی نه تنها در مورد گزینش وزراست که برخی از آن ها شاید به نام جنگ سالار یاد شوند، بلکه مشکل اصلی و اساسی او، معاونین ریاست جمهوری است که نام شان همپیوند با نام او درانتخابات و مبارزات انتخاباتی و رأی دهی بوده و اوراق رای دهی متعلق به آقای کرزی در حقیقت اوراق سه نفر (کاندیدا و دو معاون) است.

اگر غرب در این دو موضوع جدی است، پس چرا قبل از آغاز مبارزات انتخاباتی به آن توجه نداشت و چرا در جریان مبارزات انتخاباتی و آشکار شدن این نام ها و چهره ها به حیث معاونین، از خود واکنش نشان نداد وچرا در زمانی که موافقت شان را با فیصلهٔ کمیسیون انتخابات ابراز داشتند و درکنارکرزی قرار گرفتند و حمایت کردند.... به این موضوع حتی اشاره یی هم نکردند!

امروز اگر بتوانند، نام معاونین را حذف کنند، درحقیقت به آرای (هرچند کمتر پنجاه جمع یک فیصد) آقای کرزی که همراه با معاونان آن را بدست آورده، ریشخند می زنند و آنرا فاقد اعتبار می سازند!

عبدالمعین شاهد

# ترتیب عملی ادای مراسم حج



### روزهشتم ذوالحجه(روز نخست حج)

مراسم حج از روز هشتم ذوالحجه آغاز می یابد، این روز را ( ترویه) می گویند، در این روز اگر کسی حج قران را نیت کرده باشد دارای احرام بوده باید، آماده رفتن به منا می شود واگر حج تمتع را نیت کرده باشد، چون از احرام خارج شده است ، دو باره لباس احرام را به تن می کند، کسی که در داخل مکه به سر می برد، در هرجای که اقامت داشته باشد، برای حج، احرام می نماید. در حج افراد هم باید، در آن روز با احرام برتن کند وآماده آغاز مراسم حج باشد.

•رفتن به منا: بامداد از مکه بسوی منا حرکت نماید، در انجا شب می خوابد ، خوابیدن وسپری کردن شب هشتم بر نهم ذوالحجه در منا سنت است , اگر ترک شود کاستی در حج به میان نمی آید و دم لازم نمی شود. کسی که شب در منا نباشد، فردا روز نهم ذوالحجه یا روز عرفه، مستقیماً به عرفات برود.

•درمنا نماز های پیشین، عصر، خفتن را به صورت قصر ادا نماید و به ذکر ودعا وخواندن قران بپردازد.

### روز نهم ذوالحجه (روز دوم حج)

• وقوف در عرفات:

روز نهم ذوالحجه روز عرفه می باشد، حاجی پس از طلوع آفتاب از منا حرکت می کند وبا آرامی به سوی مزدلفه واز آنجا بسوی عرفات راه پیمایی می نماید، در راه تکبیر می گوید، ذکر ودعا می خواند وتلبیه می گوید.

وقوف یا ایستادن درعرفات، رکن وفرض اصلی حج می باشد، اگر این رکن ترک شود، حج انسان باطل می شود، در این صورت شخص باید سال آینده اقدام به ادای حج نماید.

لازم است حاجیان حدود ساحهٔ عرفات را بدانند و در داخل عرفات باشند، چون ایستادن در عرفات مهمترین رکن حج می باشد، در صورتی که کسی در طول روز خارج از عرفات بماند، و در هیچ جای عرفات توقفی نداشته باشد، حج او کاملا باطل می شود، حدود عرفات با نصب لوحه های نشانه گذاری شده و کسی که خواندن و نوشتن را یاد داشته باشد می تواند حدود آن را مشخص کند.

در صورتی که روز گرم و آفتابی باشد و یا شخصی احساس مریضی و یا نا توانی نماید، بهتر است خود را به مسجد عرفات برساند و در جریان روز در همان مسجد بماند. قابل ذکر است که قسمتی از این مسجد در خارج ساحهٔ عرفات قرار گرفته است، بنا براین باید در بخشی که در عرفات قرار دارد، ایستاد شد.

در عرفات نماز های پیشین وعصر را قصر ویکجا در وقت نماز پیشین می خوانند، به خطبهٔ امام گوش فرا می دهد وتا غروب آفتاب آنجا می ماند. درعرفات نماز بگزارد، ذکر ودعا نماید وقران بخواند.

• بازگشت به مزدلفه:

حجاج پس از غروب آفتاب به آرامی به سوی مزدلفه باز می گردند. درمزدلفه نمازهای شام وخفتن را یکجا ودر وقت خفتن ادا می نمایند، نماز خفتن را قصر می خوانند.

• جمع آوری سنگچه ها:

حاجی شب هنگام سنگ های مورد نیاز برای زدن جمرات را از مزدلفه جمع می کند.

•ایستادن در مزدلفه: شب را در مزدلفه می خوابد، ایستادن در مزدلفه واجب است، اگرترک شود قربانی یا"دم" لازم می گردد.

### روز دهم ذوالحجه ( روز سوم حج)

حرکت ازمزدلفه: حجاج نماز صبح را در مزدلفه ادا می کنند وسپس بسوی مشعر الحرام حرکت می نمایند، در انجا تا روشن شدن روز روبه سوی قبله دعا می نمایند. از مزدلفه با آرامی بسوی منا راه می پیمایند، در وادی محسر سرعت خودرا بیشتر می کنند

•سنگ زدن جمره: جمرهٔ عقبه را سنگ می زنند.در این روز جمرهٔ خورد ومتوسط سنگ زده نمی شود.

قربانی یا هدی: در حج قران وتمتع قربانی واجب می باشد، درحج افراد قربانی واجب نیست. اما قربانی کردن بدون ارتباط با حج، در عید قربان سنت است و ثواب زیاد دارد، حاجی که حج افراد می کند اگر برای عید قربانی کند، مستحق ثواب می گردد.

تراشیدن یا اصلاح موی: پس از سنگ زدن جمرهٔ عقبه، موهای سرخودرا می تراشد ویا آن را اصلاح می کنند، تراشیدن بهتر است.

تراشیدن یا اصلاح موهای سر واجب است؛ اگر ترک شود قربانی لازم می شود.

تحلل اول: با سنگ زدن جمره، قربانی وتراشیدن موی های سر، تحلل اول به میان می آید، تحلل این است که حاجی می تواند پس ازاین، جز آمیزش جنسی با همسر، دیگر کارهای را که در حالت احرام ممنوع است، انجام دهد.

•طواف زیارت: پس از مراسم فوق، طواف می کند، این طواف را طواف« زیارت»، «طواف رکن»، وطواف«اضافه» می گویند، اما اگر نتواند در آن روز طواف کند تا سه روز دیگر هم می تواند این طواف را انجام دهد. قابل ذکر است که اگر احیانا طواف زیارت را که یکی از دو رکن حج می باشد، ترک کرده باشد، باید پس از بازگشت از منا آن را حتما انجام دهد .

اگر حاجی حج افراد و یا قران را نیت کرده باشد، در صورتی که سعی نموده باشد، پس از طواف زیارت دوباره سعی نکند، اما اگر سعی نکرده باشد و یا این که حج تمتع نیت کرده باشد، باید پس از طواف زیارت، سعی کند.

پس از طواف افاضه، تحلل آخر یا اصلی به میان می آید. با این تحلل، دیگر تمام امور ممنوعه احرام، جایز می شود وانسان به حالت اصلی باز می گردد، پس از این تحلل، حاجی می تواند با همسر خویش آمیزش کند.

### روز یازدهم ، دوازدهم وسیزدهم ذوالحجه: (روز چهارم، پنجم وششم حج)

•در روزهای یازدهم و دوازدهم ذوالحجه به ترتیب پس از ظهر، هر روز جمره ها را با هفت سنگ می زند، از جمره خورد آغاز میکند، پس جمره وسط را می زند و در اخیر جمره بزرگ یا جمره عقبه می زند.

در روز دوازدهم ذوالحجه، اگر قبل از غروب از زدن جمره ها فارغ شود می توانددزدن جمره ها را تمام کند و به مکه بازگردد، اما اگر نتواند قبل از غروب ازاین کار فارغ شود و یا قصد کند شب در آنجا بماند، شب درمنا می خوابد وفردا یعنی سیزدهم ذوالحجه هرسه جمره را پس از ظهر می زند و به مکه باز میگردد.

• طواف وداع: پس از بازگشت به مکه حاجی طواف «وداع» را انجام می دهد این طواف واجب است ، با انجام طواف وداع حج به پایان می رسد وحاجی عزم سفر میکند و به وطن خویش باز می گردد و یا، جهت زیارت مسجد پیامبر به مدینه می رود.

طواف وداع واجب است، اگر کسی طواف وداع را ترک کند بر وی دم یا قربانی لازم می شود.

وقت طواف وداع، از روز دوازدهم یا سیزدهم آغاز می شود وحاجی می تواند قبل از بازگشت هر زمانی که بخواهد آن را انجام دهد. زنانی که برای شان عادت ماهانه پیش می شود، برای آنها طواف وداع لازم نیست.

### زیارت مدینهٔ منوره

زائرین حج وعمره معمولا جهت زیارت مسجد وقبر پیامبر به مدینه منوره می روند. زیارت مسجد و قبر پیامبر و دیگر اماکن مقدس مدینه ثواب زیاد دارد اما زیارت این اماکن جزء حج نمی باشد واگر کسی نتواند به زیارت مدینه نایل شود، حج او کامل می باشد وهیچ کاستی به میان نمی آید.

زایرپس از رسیدن به مدینه وجابجا کردن وسایل در مهمانخانه ومحل اقامت بسوی حرم نبوی می رود وقبل از هر کاری اگر جای خالی بیابد، در روضه شریف دو رکعت نماز بخواند، روضهٔ شریف موضع است میان قبر ومنبر پیامبر، در این محل نماز خواندن ثواب زیاد دارد، پس از نماز ودعا به زیارت قبر پیامبر برود وبا کمال احترام وآرامش در برابرآن ایستاد شود وسلام نماید. سپس در برابر قبرهای حضرت ابوبکر وحضرت عمر ایستاد شود وبه آنها سلام بگوید.

نزدیک قبر پیامبر، ماموران امنیتی سعودی ایستاده اند ونمی گذارند کسی به پنجره های آهنی قبرها وديوار های نزدیک به آن دست بزنند، چون دلیل شرعی بر مشروعیت چنین کارهای وجود ندارد.

زیارت جنت البقیع که در آن برخی از اصحاب پیامبر و دیگر بزرگان اسلام، دفن شده اند و در نزدیکی مسجد قرار گفته است نیز ثواب زیاد می باشد، زیارت شهدای احد، وزیارت مسجد قبا را نیز از یاد نبرد.

در هنگام اقامت در مدینه کوشش کند نماز ها را با جماعت در مسجد پیامبر بخواند و هر بار به پیامبر سلام بگوید ودعا نماید.

نماز خواندن در مسجد پیامبر ثواب زیاد دارد، پیامبر فرموده است، یک نماز در مسجد من ، برابر هزار نماز درسایرمساجد ثواب دارد. البته نماز خواندن در مسجد الحرام ثواب بیشتر دارد.

### دعا در حج

توبه و دعا یکی از انواع عبادت، می باشد، عبادت در ایام و اماکن حج ثواب فراوان دارد و مورد استجابت خداوند جل جلاله واقع می شود. بنا براین حاجی باید همه وقت خود را در ایام حج به عبادت وذکر و دعا اختصاص دهد و تا حد امکان از پرداختن به امور دنیوی خود را برکنار نگه دارد.

دعا عبارت از اظهار بندگی و خشوع به بارگاه خداوند وطلب آمرزش و حاجات از اوتعالی است.

حاجی باید دعا های را که در قرآن کریم و احادیث پیامبر ذکر گردیده حفظ کند و بخواند، اما اگر نتواند این دعا را حفظ کند، می تواند آن را از روی کتابچه ویا کتاب بخواند واگر به چنین کاری هم قادر نباشد می تواند کلمات سادهٔ مانند الله اکبر، سبحان الله را تکرار نماید و یا می تواند با زبان فارسی دعا کند و حاجات خود را از خداوند بخواهد

هفته نامهٔ

# مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و چهارم ۳۰ عقرب- ۱۳۸۸ - ۳ ذو الحجه ۱۴۳۰ 21 Nov 2009

# اداري فساد

فقيری

زمونږ هیواد خورا زیاتي ستونزي لري. اداري فساد ددي ستونزوسرليک ګڼل کيږي همدارنګه امنيتي ستونزو له پامه نشو غورځولاي.

ددي ستونزو حل ته د رسيدلو لاره ډيره اوږده او کړليچنه ده.

اداري فساد او مخدره توکي په نړيواله کچه د افغانستان د بدنامی لاملونه دي. دا ټول زمونږ ولس ته ناخوالي زيږوي او ډير وخت کيږي چي زمونږ خلک ددي ستونزو له کبله په رنځ کي دي.

خو کله چي بهرنيان ددي ستونزو خبره کوي او په وار وار وايي چي دافغانستان حکومت په اداري فساد ککړدي نو وريسي زمونږ د حکومت چارواکي هم دا ناريې سوري وهي چي دا يولويه بدنامی ده او بايد دهغه دله منځه وړلو لپاره هلي ځلي وشي.

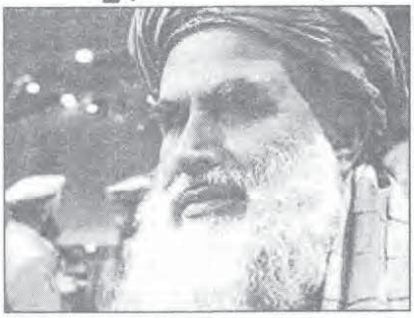
د ځينو وزيرانو او لوي څارنوالپه ګډون کميټي جوړيږي او حکومت ددي هوډ اظهار کوي چي غواړی په جدي توګه د اداري فساد سره مقابله وکړي او دا مرض ختم کړي او...

له دی نه مخکی د نشه ايزو توکو د کار او بار مساله د بهرنيانو د پام وړ ګرځيدلي ؤ او په نړيواله کچه په افغانستان او په ځانګړی توګه افغان حکومت باندي نيوکي کيدې چي نه يوائې د مخدره توګه له توليد او قاچاق نه مخنيوي نکوي بلکي د حکومت لوړ پوړی چارواکی په دی کار کي ملوث او ککړ دي! له هغه نه وروسته زمونږ حکومت هم شور او زوږ پورته کړ چي په رښتيا سره دا مخدره توکی داسی ناورين ده چي په نړيواله سطح زمونږ د بدنامی لامل دي او...

او اوس د نړيوالی نيوکی نه پس زمونږ حکومت هم داداري فساد دشتون خبره کوي او دهغه د منځه وړلو هوډ ښکاره کوي!

که څه هم په افغانستان کي اداري فساد پاتي په ۵ مخ

# استاد سیاف از یک سوء قصدجان به سلامت برد



روز جمعه هفته گذشته یک بم کنارجاده پنج تن از محافظان استاد عبدالرب رسول سیاف، یکی از رهبران مجاهدین و عضو شورای ملی را کشت. گفته می شود این بم که در منطقه خواجه مسافر ولسوالی پغمان منفجر گردید. به منظور سوء قصد به جان استاد سیاف کاری گذاری شده بود اما به استاد سیاف آسیبی نرسید. تا کنون کسی مسؤولیت این بم گذاری را به عهده نگرفته است. اما استاد



سیاف به علت حمایت از کرزی مورد انتقاد افراد سیاسی مخالف قرار دارد.

در عین حال طبق گزارش خبرگزاری ها یک انفجار انتحاری در نزدیکی خانه والی فراه۱۶ کشته و ۳۳ زخمی بجا گذاشته است.

روز جمعه، ۲۹ عقرب راننده یک موتورسیکلت بمبگذاری شده، مواد منفجره همراه این موتور را حدود ساعت ۹ بامداد به وقت محلی در حدود پنجاه متری خانه والی فراه منفجر کرد.

گفته شده است یک افسر پلیس در میان افراد کشته شده بوده است و دو مامور پلیس دیگر در این انفجار زخمی شده اند. به گفته او، بقیه افراد کشته و زخمی شده همه غیرنظامی هستند.

والی فراه به رسانه ها گفته است که وضع ۱۵ تن از مجروحان حادثه روزجمعه نگران بوده و آن ها برای درمان به مرکز صحی نیروهای ائتلاف بین المللی منتقل شده اند.

والی ولایت فراه گفته است که به دلیل اینکه این انفجار در روز تعطیل جمعه روی داده و او در محل انفجار نبود، ممکن است، هدف فرد بمبگذار افراد غیرنظامیان بوده باشند.

این درحالی است که موجی از حملات انتحاری و انفجاری در ولایت مختلف افغانستان در این اواخر افزایش یافته است.

# معرفی سیمای غزنه

## ارگان نشراتی شورای ولایتی وابسته به جمعیت اسلامی افغانستان

اخیراً نشریه یی به نام " سیمای غزنه" که در هرماه یک بار از سوی شورای ولایت تاریخی و فرهنگ پرور غزنی وابسته به جمعیت اسلامی افغانستان به چاپ می رسد به دسترس ما قرار گرفت.

شمارهٔ چهارم این نشریه- که به شکل مجله نشر می گردد- مثل سایر شماره های آن، حاوی مقالاتی راجع به دین، سیاست، فرهنگ و تاریخ می باشد.

نشر چنین مجلات و جراید از سوی نمایندگی های جمعیت اسلامی افغانستان در ولایات، نشانگر گستردگی و عظمت این حزب فراگیر و سابقه دار نهضت اسلامی تلقی می گردد.

امیدوار هستیم تا تمام نمایندگی های این سازمان بزرگ فعالیت هایش را هرچه بیشتر گسترش داده و چشمگیرتر از دوران جهاد و مقاومت – که تقریباً تمام نمایندگی های آن در داخل و خارج از خود نشریه مستقل و پرباری داشتند – به راه اندازی فعالیت های اجتماعی بالاخص مسایل فرهنگی، مطالعه کتب و نشرات بپردازند.

ما ضمن ارزوی موفقیت های بیشتر به آقای حمید الله سروری مدیر مسوول ماهنامهٔ " سیمای غزنه" و سایر همکاران قلمی شان، اقدام شورای ولایتی منسوبین جمعیت اسلامی در ولایت غزنی را در راه آگاهی دهی و تنویر اذهان مردم ، مورد ستایش قرارمی دهیم و ابراز امیدواری می کنیم تا نشر آن همچنان ادامه یابد و شماره های بعدی اش با مطالب پربار و آموزندهٔ بیشتر، توأم با نشر فعالیت بخش های دیگر منسوبین جمعیت اسلامی ، در اختیار خوانندگان و علاقمندان قرار گیرد.